



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۸۸

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه سه شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۱۱ - ۲۵ محرم ۱۳۵۱

قیمت اشترافه سالانه داخله ۱۰ تومان
خارجه ۱۲ تومان
نک شماره: یک هزاران

و عیالیه مجلس

۵۰۰۰۰۰۰۰

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۱۱ هـ (۲۵ محرم ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

۱) ترمیم صورت مجلس

۲) اولم و دستور جلسه پنجم - ختم جلسه

در شماره قبل صفحه ۲ - سطر ۱۶ در قسمت اول ماده واحده مربوط به تعیین خط سرحدی ایران و ترکیه یکی دو فقره اشتباه در جریان طبع حاصل شده است لهذا آن قسمت از ماده ذیل طبع میشود تا مطالعه کنندگان محترم نسخه خود را مطابق این صورت تصحیح فرمایند :

۱) ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد واقع در تعیین خط سرحدی ایران و ترکیه مبتنی بر سه ماده ضمیمه یک مرادف و دوم و استناد به بندهای مستحفظ سرحدی طرفین از آنجایی چندی های دریاچه بیولان ... الی آخر .

مرتکبین قاچاق اجناس و متوع الوورد و ملاح است مذاکره که بنده شخصا دارم بفرم دارم که این لایحه هم باز بیشتر در کلیات است آقای فاطمی .
فاطمی - تقریباً یکسال قبل وقتی که لایحه انحصار این لایحه هم بیشتر آن دو طبقه تمام خواهد شد و آن

۳) همین مذاکرات مشروح هشتاد و هشتمین جلسه از دوره هشتم تقابلیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۴)
دائرة تنه تریس و تبریز صورت مجلس

۴) اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین یا اجازت : آقایان : اشتیای - طالش خان - ملک ابراهیمی
غائبین بی اجازت : آقایان : تیمور تاش - ارباب بیخرو - طباطبائی دیا - امیدی - قنیه - آقاوش - عبدالحسین خان دیا
آقا رضا مهدوی - انبال - قوام .

در امکان بی اجازت : آقایان : حاج ابوالحسن حبیب الله ابنی - آقا رضا بروشهری - یونس آقا وهاب زاده - محمود تاشی

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۱۱ هـ (۲۵ محرم ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) موافق دستور جلسه بند - ششم جلسه
- ۳) شور لایحه مجازات مرتکبین قاجاق اجناس ممنوعه

جلسه يك - ساعت و نيم قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس روز پنجشنبه ۵ خرداد ماه را آقای مؤید احمدي (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست.

مأمندان - خبر

رئیس - تصویب شد

۲ - شور لایحه مجازات مرتکبین قاجاق اجناس ممنوعه

رئیس - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع به مجازات مرتکبین قاجاق اجناس ممنوعه ورود مطرح است مذاکره در کلیات است آقای فاطمی.

فاطمی - تقریباً یکسال قبل وقتی که لایحه انحصار

تجارت در فراقیون مطرح بود بنده بطور کلی يك عرایض کردم و خدی می متأسفم که عرایض بنده و حدسیات بنده صائب بود و اسباب گرفتاری و زحمت برای مردم شد البته این لایحه هم که امروز آورده اند مقصود دولت و آقای رئیس کل تجارت تهیلات و ضحیت حال مردم است بنده تصدیق دارم ولی متأسفانه با تجربه گذشته و با اطلاعاتی که بنده شخصاً دارم یقین دارم که این لایحه هم باز بشود دو طبقه که فعلاً همه چیزها بشود این دو طبقه تمام میشود این لایحه هم بشود آن دو طبقه تمام خواهد شد و آن

عین مذاکرات مشروح هشتاد و هشتمین جلسه از دوره هشتم تفنیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰)
دائرة تدوین و تصویب صورت مجلس

تذکره اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غالبین با اجازه آقایان: احتیاجی - طالع خان - ملک ارفانی

غالبین بی اجازه آقایان: نبوه ناس - ارباب دیفرو - طباطبائی دیا - امدی - قزیه - کدلی - عبد العزیز خان دیا
آقا رضا مهدوی - ابوال - قوام .

در امکنده بی اجازه آقایان: حاج میرزا حبیب الله امین - آقا رضا پور شهری - پورن آقا و هاب زاده - محمود تاشی

در طبقه هم معلوم هستند يك طبقه اشخاصی هستند كه مستخدمین دولت هستند و از دولت حقوق میگیرند و يك طبقه هم زارع كه اینها باید همه چیز را بخردن اینها در مقابل حقوق ثابت دارند میگیرند یعنی همان حقوق را كه در شش سال پیش از این پنجسال بودی از این ذره قومی كه این اجناس نك قیمت فعلی بلکه خیلی كتر بود و زارعی هم كه حالشان معلوم بود كه يك خروار كنند میفرودند چهار جنت كشت میفریختند حالا چهار خروار كنند كه بفروشدن يك لنگه كشت هم نمیتواند بخرند بنده می بینم تمام این عملیاتی كه شد هیچ بقیع مردم تمام نقد و بقیع نقدی شد شاید در طهران سدها هزار خانواده ازین رفته و ده نفر ملبور شده اند و بنده نمیتوانم در همین شهر طهران يك اشخاصی را بشما نشان بدهم كه كارشان فروش همین اشیا است كه در اینجا نوشته میشود اینها در ده سال قبل دوازده سال قبل تمام سرمایه شان بده بودند و تومان نیرید و امروز دویون تومان مستغلتان رسیده است این البته از راه تجارت كه حال است این از راه غارت است از راه تمام كردن خانواده ها است امروز هم نمیشود مردم را بطور كامل جلوگیری از استعمال كرد مردم امروز غیر از مردم بیست سال قبل هستند مردمان بیست سال قبل بپیراج برق اشنا نبودند حالا اگر چه آقای حاج امین القرب شرفی دارند و جسارت است ولی باید گفت كه امروز هیچكس از وضعیت چراغ برق راضی نیست و آنرا نمی پسندند همبظور نمیشود گفت مثلاً فلان پارچه را نخواهد و استعمال كنند فلان پارچه را در فلان دكان پیدا میشود و خانواده ها هم برباقبت همديگر میخرند و بنده بعد از تصویب این لایحه میدانم كه چه میشود این اشیا حكم تریك قانق پیدا میکنند يكتنر میرود بفلان دكان و فلان چادر را میخواهد صاحب دكان شب چادر را ميكند زير عبايش كه من بخت این را برای شما سدویست تومان تمام كردم اما فردا صبح هم كه نگاه میکنم ده جایش سوراخ

عالم را بخواند اجرا كند خیل مشكلات اجناس ممنوعه كه حالا اصطلاح ممنوعه را درباره اش استعمال میکنند عینا بصورت مجاز وارد این مملكت شده است در مرحله قانون انحصار تجارت نبوده ورود این اجناس مثل سایر اجناس مجاز بود و هیچ منعی هم درین نبوده است و يك تجاری هم شغلشان ورود این گونه اجناس بود يك سرمایه های هم بكار برده اند برای تدارك آنها يك قسمتهائی هم همبظور كه ممبرانید بقیعتهائی كزاف فروش رفته و میرود و يك قسمتهائی دیگر شاید اینطور نیست اجناس ممنوعه چندصورت دارد يك قسمتهائی است كه مشتری نقد پای مال حاضر است و تقاضا بیش از عرضه است و بوالهوس ما با بابت این شده است كه فروش میرود البته كسانی كه تصدی ورود و خرید و فروش این اجناس هستند ممكن است كه خیل استفاده کرده باشند ولی خوب تجارت آزاد بوده است وقتی كه يك تجارانی آزاد بوده اند نمیشود اجتناب از سوء استفاده گذاشت بی انصافی میشود گفت و شاید میشود دیگری برایش پیدا كرد آیا اینها بر خلاف مقررات و قوانین ممنوعه نیست و يك قسمت اجناسی است كه الان ایندها است آرزو اند و هنوز فروش رفته مثل قلاب مجسمه را آورده است در فلان مغازه و هنوز هست و شاید ده سال دیگر هم باشد كه بالاخره هنوز ایرانی آفند ها بوالهوس نند است با سرمایه آنرا ندارد كه اینطور چیز ها را استعمال كند و بالاخره يك قسمت از این قبیل اجناس و نظایر آنرا در مغازه ها می بینید كه همدها هست و كسی نمیرود بخرند و يك قسمت هم اجناس دیگری است كه غالباً مراجع میكنند و اجازه وقتش را بخارج میبدهاوند كه آورده اند به بیشتر در بازار ایران مصرف پیدا میکنند و كسانی كه ایرانی ها را معناد كرد باین طور میكنند ما غیر می بیند چه موفقی نمیشود بر میگرداند در هر حال همه جور اجناس ممنوعه هست ولی آنچه چیزی كه بیشتر طرف توجه است همان چیزی است كه مشتری نقد دارد و همان

بک نمیدی است برای آنها که در این مدت پرورشند و البته آنچه که باقی بماند به تقویمی که خود دولت مین می کند تحت نظر دولت دمرکاری فروش می رسد و البته می ماند صاحبان آنها که وقتی که تحت نظر دولت باید بفروش برسد خرج آن کم نخواهد شد و تصور می شود که در ظرف یکسال آنچه هست بفروش برسد اولاً آنچه که حاصل می شود از این قسمت این است که آنچه که هست در ظرف یک سال قسمت بیشتر تمام می شود دوم اینکه ما یک زمینهای منوجه مردم نگردانیم و این قسمت شاید برای ما آسانتر باشد زیرا که در این زمین پس نیمی شده است که بعد از دو ماه باید صورت بدهند و بعد هم ماه مابعد صورت فروش بدهند که با یک مراقبت هایی هم در عمل یکسهم یک تفاوتی در آخر سال پیدا شود آنوقت باقی میمان یک اجناس منوعه که بطور قانچاق وارد شده و هینتو بود که فرض فرمودیم که مطابقه فروش برسد تصدیق فرمایند وقتی که کار به اینجا کشید باید خیلی خوشوقت بود که یک قسمت هم از منظور ما حاصل شده است زیرا که موارد اینجا فرقی می کند تقیبه اینکه فرمودید ببارک قانچاق یکقدری این فرق دارد آقا اجناس منوعه یا اجناسی که اینک دارند در اجناسی که باقدر دارند «مادانان تصدیق فرمایند که همه اش خیلی آسان نیست که باین ترتیب فروش فرود شود تا بآن با مراقبت هایی که خواهد شد تصدیق فرمایند جلوگیری خواهد شد دیگر اینکه اغلب اشخاصی که تصدعی خرید و فروش این اجناس هستند بطور حتم بداند که از خرید و معامله این طور اجناس جلوگیری خواهد شد خود داری خواهند کرد زیرا که وضعت شخصیتان اجازه نمی دهد که وارد این جور کارها بشوند چنانچه الا آن هم می بینم یکدهم کسی هم هست که اینها و لو کن نیستند ما باید مقاومت کنیم با آنها تحقیق کنیم و تقیض و آنوقت یکسال که منقضی بشنظریه وجه جمع قتیبه این است که دولت پیشنهاد کرده است که یکسال مهلت داده شود به آقایان که فروشد و تصور می شود که خود این اشخاص و شرب الاجل قانونی الزام یکدک که به قیمت اندازتقریب فروشد صورت هم ما

می دهم و مطابق آن صورت بک ترتیبی خواهیم کرد که زودتر تمام شود و مادام که این اجناس منوعه موجود فطلی که یک قسمتش ذخیره نقلی است و یک قسمتش این اواخر وارد شده است مادام که اینها در تحت یک نظر و تربی نباید در آنچه جلوگیری از قانچاق آسان نیست و در خانه عرض می کنم هم منظوری لازم دارد با قانچاق در تمام دنیا که یک قوانین در این موارد وضع شده است برای این است که یک قانچاقی بوده است و یک تخلفاتی هم پشت سرش پدید آمده است البته یک معاملات و مقررات و سانسکیونهای هم پیدا می شود که از قانچاق جلوگیری شود پس نقلی شود تا آنجائی که یک خان است ولی هیچ جای دنیا موفق نمی شود که در قانچاق یک موضوعی هرچه هست سد سد جلوگیری شود در عین حال اگر یک موارد محدودی نظر می آید آن را نباید مانع از عمل داد ما اگر موفق شیم صدی شصت صدی مقدار این قانچاق را بوسیله این قانون جلوگیری کنیم باید خیلی خوشوقت باشیم و تصور میکنم از این قانونی که ملاحظه می فرمایید این منظور حاصل شود و اگر هم باقی بماند یک مقدار کمی است و اگر بکمرته بگویم معاملات راجع به اجناس منوعه منوع است بنظر بنده نه صلاح است و نه مقتضی است زیرا که عرض کردم آنهایی که اجناس وارد کرده اند اغلب بطور مشروع قول از قانون وارد کرده اند عرض کردم دیکر مواضی یک مقرراتی نداشتند و یک قانونی در مملکت نبود و مرا منع نمی کرد از وارد کردن من مدارک هم نتان میدهم که این جنس مد چهار سال پیش است خود هم فروش نرفته شما هم نمی توانید الا آن بگویند این معامله منوع است در هر صورت بنظر بنده اگر آقایان موافقت فرمایند که یکسال اجازه داده شود و بعد از یکسال هم تحت نظر دولت فروش برسد و بولس بیجا نماند برسد هم بکسی ضرر زیادی وارد ندهد و هم مال کسی معذورانه قنعه ضبط ندهد و هم بمقتضی می رسد منتهی بکفداری مایستر و دیرتر این را هم تصدیق فرمایند که قوانین سخت وضع کردن باید فکر اجرائی را هم کرد خود قوانین و مقررات قانون انتحار تجارت فوق العاده سخت بود حالا یکقدری ملاحظه شده است مردم

هم مانوس شده اند بنده هم آقایان شاهدند که در سه کثرت انواع و اقسام تسهیلات را می کردم که یک خان برخی بگذرانند مردم متاد و مانوس شوند ولی آن تسهیلاتی که ارسال میکرد امسال خیلی مراقم که درست مر قانون نقلی بقیه اجرا شود ارسال بک کسی می آمد و کسی سفارش قضایی دادم و فلان و فلان ولی امسال کسی نمی تواند بگوید سفارش قضایی دادم در هر صورت اگر بخوام یک آنچه از قانون نقلی گرفته شود باید یک ملاحظه هایی باشد زیرا اگر یک خسوت های فوق العاده در کار باشد نتیجه حاصل نمی شود این خلاصه عرض شد بنده است.

ولیس - آذی طهرانی

عرض میکنم که بنده تصور میکنم که دو جهت را اینجا باید مد نظر گرفت یکی مسئله احتیاجات و اینکه آیا دولت می تواند این لایحه را کاملاً اجرا کند بطوریکه واقفاً بقیع مردم تمام شود بانه و این را بنده مفضلاً عرض میکنم اولاً از نقطه نظر احتیاجات ما در قسمت احتیاجات می بینم که این اشیاء منوعه بیشترش و قسمت انباشت محل احتیاج مردم است فرض فرمایند پارچه های ابریشمی باقی جا دارد یا بعضی چیزهایی که ضرورت دارد برای آنها این زن مجبور است و چیزی نیست که جای آن را بگیرد زن که نمی تواند پارچه بزدی را بپراهن کند

السر - چه اشکال دارد آقا (همه ها نمایندگان) بعضی از نمایندگان - چرا نمی تواند

طهرانی - اجازه فرمایند این تئوری است بنده عمل ندان البته همه کار میکنم ولی وقتیکه وارد عمل شدم بنده هم با شما مواظف اشکال ندارد الناس علی دین مالوکم وقتی که بزرکات و رؤسای مملکت و وزراء و کلا و رؤسای ادارات شروع کردند و خانواده مثلان چیزهایی و وطنی استعمال کردند در خانه اشان را مجبور کردند که اتمعه وطنی استعمال کنند همه مردم این کار را خواهند کرد ولی مادامیکه اینطور نیست و خانه من چادر قق سرش میکند شما نمیتوانید این کار را بکنید او هم میرود و شوهرش را مجبور میکند که بهر

نحوی هست برایش تهیه کند ما باینست احتیاجات را در نظر بگیریم بک قسمت از پارچه های ابریشمی همان چادر است چنانچه ملاحظه میفرمایند چهار برابر پنج برابر فرقی کرده است چرا ترقی کرده برای اینکه خریدار دارد و هرکاری کند باز میروند و میخرند پس اگر دولت نظر بگیرد یک چیزهایی که در مملکت تهیه اش قه الا ممکن نیست آنها را اجازه و وروض را بدهد یا خودش وارد کند بیک ترتیبی و بک اندازه و آن را بیک قیمت عادلانه بفروشد ممکن است از این وضعت جلوگیری شود و مردم هم دچار زحمت نشوند مثلاً بنده یک مثل خیلی کوچکی عرض میکنم چادر قانی در بغداد دوازده روپیسه است اینجا چهل تومان است و میخردن چهل تومان پارچه ابریشمی در بغداد ذریع دو تومان است اینجا ذریع هفت تومان است و میخردند و همینطور کردوشتم و کف ساین چنانچه آسای قشامی فرمودند روی چشم هم چشمی مجبوراً آسنا مال میکنند بنده عرض نمیکند که پارچه وطنی نباشد بلکه خیلی میل دارم همه کاری بپوشند ولی نمی پوشند و من هم نمیتوانم جلوگیری کنم (اوسر - بنده نمیتوانم جلوگیری کنم) خوب شما نمیتوانید ولی بنده نمیتوانم و وقتی این عمل پیشرفت میکند که از بالا شروع شود حتی اگر کسی لباس ابریشمی بپوشد زلفا بهش احترام نکنند و الا باقی چیز های بیشتر از حریف است تئوری است مثل اینکه بجای قد کشش بخورند اینها دیگر یک چیزهایی است که گفته شده است این جا آن اشیائی که محل احتیاج است و استعمال میکنند قانچاق را چطور جلوگیری میکنم دو قسم قانچاق میشود در این مملکت کرد بک قانچاق است که خیلی بنده حیاتر میکنم و نباید اینجا گفته شود ولی بطور کلی مجمل عرض میکنم فرض فرمایند بنده سمت نمایندگی دولت چانه دار و مدوق دریا حالا با وسیله خصوصی یا قوتی تقیض نمیکند و بنده در این چانه داران صد زرع دویست زرع پارچه ابریشمی عیگذارم و میآورم آنوقت اینجا که آوردم هفتصد تومان استفاده کردم این

نوع قاچاق را شما چطور جلوگیری را میتواند بکیرید
چنانچه بنده یک نکته دیگر عرض میکنم چند سال است
که از همین مجلس قانون گذارندیم که جوهر اگر وارد شود
در کوره آبی برزند بپوزانند و یکم چهل نومان جریمه
بگیرند شما از قاچاق جوهر جلوگیری کردید؟ شما چه وقت
در طهران و در ایران جوهر میخواستید که برایتان مهیا
ببوده است و بدینوسیله تهیه کنید؟ و جوهر را تنها
آنچه که بنده خود اطلاع دارم چون تجارتش در
داخله میشد غالباً قاچاقچی ها از سرحد اتباع خارجی
وارد میکردند و بدست اتباع داخلی فروش میبردت و آن
یکوقت بکنفر ابیاع داخل کبر می افتاد خودش واسطه
و فروش نبوده و همچنین اشیاء نفیسی و ممنوع ورود
که میشد بوسیله جیب بیل وتوی جامه دان خارج کرد
اینها جلوگیری برای دولت خیلی مشکل است بنده
نصورت میکنم نمیتواند جلوگیری کرد و حالا آن مقداری که
استعمال میشد باینچ چندین برابر مردم پول بدهند و
بخرند و هرکاری هم که شما بکنید در مغازه ها بالاخره
دلاله زده در خانه هایم برسد و میفروشند ملاحظه فرمایید
بنده از شما در همین سواحل خوزستان عرض میکنم
شما تقریباً یک مقدار زیادی از دهنه قار تا بنیاد سیره
و عمده و همچنین کولت المهره، تا نزدیک بغداد و از دهنه
قار تا عمرة کشتی ها و قایق های کوچک وسط شط العرب
در حرکت است و شما یک مامور ندارید در وسط شط که
از اینها جلوگیری کند و هر کدام آنها دم زرع بپارچه و
دم چادر و پنج چادر همراه بیابورند و بخوانند قاچاق
کنند برای دولت جلوگیری خیلی مشکل است همچنین
از قسمت کولت المهره بانطرف که اصلاً رفت و آمد میشود
چطور میشود از قاچاق جلوگیری کرد (یعنی از نمایندگان -
بوسیله همین قانون جلوگیری میشود) اجازه فرمایید آن
یکم بنده در خلیج فارس است. اینهمه نادری که در خلیج
فارس هست و خودتان فرماید که جوال جوال صد جوال
و پنجاه جوال صد صندوق و پنجاه صندوق قند قاچاق
میکند وقتی قندها را قاچاق میکنند آنوقت شما جلوگیری

طهرانچی

پیش کرسی خطابیه - مذاکره ایشان

در دو قسمت بود که بنظر بنده هر دو قسمت مؤید همین
لاایحه است یکی راجع بقسمت احتیاجات بود که عرض میکنم
این قسمت اصلاً مربوط باین لایحه نیست این لایحه مربوط
بطرز جلوگیری از قاچاق است و آنکه فرمودید راجع است
بامل آن گفتند برای که دولت تهیه میکند برای اجناس از
آنها اگر نظری دارید (که آن حق بموجب قانون
بدولت واگذار شده که چه قسمتی را یعنی نظر صکت
باحتیاجات مردم و مملکت که چه قسمتی را جزء اجناس

ممنوعه فرار بعدد و چه قسمتی را جزء اشیاء مجاز) در
آن قسمت باید فرموده باشد و جایش در این لایحه نیست
یک قسمت دیگر راجع بقسومت اجناس ایرادش فرمودید اولاً
راجع بقسمت مالهای ایرادش فرمودید که باید حتماً
استعمال بکنند اینطور نیست آقا (صحیح است) و هیچ
مجبوری ندارد زندهای ما که استعمال کنند همین اجناس
خارجی را (صحیح است) ببالاوه وقتی که اجناس همین
رقم در مملکت هست دیگر کسی اجبار ندارد آنها را
مصرف کند (انصر - صحیح است) و کرک همین اجناس
داخله جای آنها را میگیرد بنده نمیتوانم عرض کنم که
کاملاً اجناس داخله ما جانشین و قائم مقام اجناس لوکی
خارجی شد است ولی کم کم بآن مرتبه خواهد رسید
(صحیح است) یعنی آنها هم اول همینطور بودند بعد کم کم
ببندوبج تکمیل شده اند و البته اینطور قوانین در این مملکت
باید وضع شود تا جلوگیری کند از ورود اجناس لوکی
راجناسی که تهیه آن در داخله مملکت ممکن است و تفریق بشود
(صحیح است) و اگر غیر از این باشد ما نمیتوانیم فشار
بیشم که نماند و توازن بدهیم صادرات و وارداتمان را و
این منظورمان را تأمین بکنیم و از ورود این اجناس
جلوگیری کنیم. قسمت ثانی هم که فرمودید راجع بوسمت
سرحدات که جلوگیری از قاچاق باینواسطه بگذردی مشکل است
این مطلب صحیح است و البته همین دلیل بوده است
که این لایحه آمده است چون جلوگیری از قاچاق در
آن سرحدات که فرمودید بگذردی مشکل است همین
اشکالاتی که فرمودید پیش آمده است و فعلاً برای اینکه
کاملاً جلوگیری بشود و زود تر و بیشتر بمقدود برسیم -
این است که این قانون آمده است و در داخله مملکت
هم تا یکسال بآنها مهلت داده شده است که یک مالهای
را که قبلاً وارد کرده اند و مشمول اجناس ممنوعه نبوده
است آنها را درطرف یکسال باید بفروشد و بعد از آن
هیچس حق خرید و فروش ندارد پس بالاخره همان
نظر آقای طهرانچی است که هم در سرحدات جلوگیری شود

شود این اجناس ممنوعه ؛ این ها بالاخره يك چيزهاي است كه سخت است و دولت در اجرائيش دچار محظورى شود دولت ميگويد اين اجناس را نبايد وارد كنند و اگر وارد گرديد حكم قاچاق را دارد و دراصل بنوعيه با ماسامله خواهد شد ولى بايد از اول مانع ورود شود و مطالب هم بايد باشد دقت هم بكنند كه وارد نشود و قاچاق نكنند . اگر هم براي اجناس است كه قبلأ وارد اين مملكت شده است ديگر لازم نيست تا يكسال مهلت معين شود كه مجبور باشند در طرف اين مهلت بفرورند . چه داعي دارد اين كار را بكنند با اين كه بپورده ايست دسالم باشد ده سال دوازده سال نگاهدارند و بفرورند . فرض بفرمايد كه صد مليون پارچه هاي ايريشي قبل از اين قانون و موقعي كه جزو اشياء ممنوعه بوده است وارد اين مملكت شده است آنها كه جزو قاچاق محسوب نميشوند و اين قانون هم كه براي آنها نيايد باشد از آندي كه بفرورند شما ميخواهيد بوسيله اين قانون چلوگريري از قاچاق بكنيد . بسيار خوب و ميخواهيد كه اين اجناس قبل ديگر چيزي اضافه نشود خوب علت اصل قاچاق اين است (يعنى شما ميگويد) كه چون نميشويد ما در سرحدات از قاچاق چلوگريري كنيم بنا بر اين در داخله چلو گريري ميكنيم اين ببقيده بنده يك چيز منطقي است براي دولت و ببقيده بنده هم دولت بايد اصولاً از سرحداتش شروع كند و چلوگريري از قاچاق و ورود اجناس و مال التجاره هاي ممنوعه بكنند نه از داخله اين عمل و منطقي است صحيح است . از سرحد بايد شروع كند و مواظبت بكنند البته در اوائل امر حذر قانوني كسكه ملاحظه بفرمايد همينطور چيز ها پيش مي آيد محظورات و مواظبت ها راه ميشود ولى بايد بشود چيز شكالات را برطرف كرد قانون كاملاً اجرا شود . اگر همان قانون را دولت تدريجاً و بطور مرتب كار كند بطور حتم در مدت يك سال با دوسال مي تواند قانون را بطور كامل اجرا كند مثلاً ملاحظه بفرمايد تعداد قانون انحصار

واردات ايجاد نمي كند . اينكه آقاي فاطمي گفتند كه اين لايحه كافي براي چلو گريري نيست و خوب است اساساً حرام كنيد عرض ميكنم اين نميشود آقا مثل اينكه شما يك قانوني را بگذرانيد كه لباس پوشيدن حرام است منظور كه اين عمل نيست آنها هم تقريباً عمل نسبت آقا ملاحظه بفرمائيد يك قسمت هائى است كه بايد درش تحقيق و تدقيق كرد . اساساً من ميدانم هم منظور است ما يك وقتي كه يك قانوني را مي گذرانيم خيال ميكنيم كه مقررات اين قانون بايد مدد در حدسش اجرا شود و وقتي ميخواهيم ان را اجرا كنيم مثلاً در قانون قاچاق بايد تمام وسائل چلو گريري را يك مرتبه فراهم كنيم و اجرا كنيم اين كه نميشود بايد بمرور و بتدريج بمقدمه رشيد و قانون را اجرا كرد . فرموده بايد حرام كرد اين قسمت عمل است آقا .

بكي از اينها بندگان - در هندوستان حرام كردن دشمنى - در آن جا اسلام حرامت را يعنى اصلا جنس حرام است عين جنس حرام است و نجس اين جنس براي شان اولي شده كه جنس را حرام نكرده ايد . حتم است را اگر شما حرام بكنيد كه بايد صرف شود بلى ولى اگر جنس حرام نباشد شما ميگويد وارد نشود اين همان ميشود كه آقاي فاطمي فرمودند . شما جنس را حرام كنيد وقتي كه حرام كسريد هر جنسي كه وارد سرحدات هر چه باشد همان هر كه باشد بايد مجازات سخت برايش قائل شد ولى باز هم اجرائي آن مشكل است و بتدريج بايد پيش رفت ، و وسائل فراهم كرد ملاحظه بفرمائيد كه امروز دولت انگلزي با تمام اين وسائل كه دارد و آن شصت و نه هزار تنگ است نسبت ببقاچاق مشروبات بخرچيد ميدهد معذك بطور حتم قاچاق در آنجا خيلي ميشود ولى كه قاچاق مشروبات را در انگلزي حالا مقابله كنيم با چند سال پيش از اين وقتي من بدين مراتب كتر شده است و بتدريج اجرائي قانون پيش رفت هاست همينطور در ايران قاچاق قندو شكر و مقابسه كنيم وضعت حاضر اش را با وضعت چند سال پيش

البته ساهايي پيش بيشتر قاچاق مي شده است . اما در قسمت قاچاق اجناس و اتمنه ممنوعه ورود دولت بايد اولاد سرحدات و مسائل چلو گريري را فراهم كند و بتدريج اقدام كند بنده يادم مي آيد كه در سه چهار سال پيش غير از بندي انگه و بندي عباس و بندي بوشهر و بندي ريگ در تمام ساحل جنوب بقتري قاچاق شد كه شد كه حدس داشت ولى آن هيج بيست و فقط در يك بنده شادي بوده است كه آن بندي عر بوده است كه آن را هم دولت چلو گريري كرده است و يك شخص ياني در آن جا بوده است و دولت ماسط شده است و بالاخره آن جا هم قاچاق ديگر ميشود و بهر جهت حذف شد و بهمين ترتيب هم ورود قاچاق اجناس ممنوعه ورود از بين ميروند و حالا لايحه آوردن كه در داخله در بازار ها جنس را و تحقيق و تفهيش كنند و تا يك سال بگويند بايد بفرورند در داخله بد منظور ديگر باشد بنده اين را كه تصور نميكنم خيلي عدل و منطقي باشد و بهر ترتيب چلو گريري قاچاق در داخله ضروري كنيم عمل باشد

رئيس - آقاي مهدي اهداي

مهدي اهداي - عرض كنم كه چند نفر از آقايان در كتابات اين لايحه مخالفت كردند و بنده كاملاً دقت كردم در فرمايشات شان خصوصاً فرمايشات آقاي طهراني را و بنده ملتفت شدم كه لايحه را وقت فرموده اند بعات اينكه اين لايحه كاملاً منظور را بيان را تكميل ميكند عرض كنم كه دولت يك لايحه گذرانند لايحه قانون انحصار تجارت و يك اشيايي را هم كه ضروري ندياست براي اين مملكت و ورودش را لازم نمي دانست آنها را هم ممنوع كرده است و لكن اشكالي دركار بوده آن اشكالي اين بود كه بجز باره تجارتي اظهار نمي كردند كه ما پيش از آنكه اين قانون بگذرد اسماخ خارجي مطابق قانون خريدم و فرستاديم باروي و اين اشياء را هم كه آتوقت ممنوع نلوده خريدم و فرستاديم بعد شك بقتوني گذرانديد و اين اسباب اشكالي مانش . يك سال مهلت داده شد خيلي خوب آن

يك سال هم گذشت و آنها باز وارد كردند و باز هم الآن ما مي بينيم كه مغازه ها پراست اطرافها پراست از اشياء متنوعه و بناها رجوع ميشود ميگويند آقا از سابق دانشمن و سابق مجاز بوديم كه وارد شود مردم وارد كردند. و حالا ميرويم در حالتيكه فعلاً اينطور بود و در حالتيكه مسأله بطور قاطع وارد اين مملكت شده و بقيمت هاي خيالي كزاف كه واقفان مردم را تمام کرده است بفروشد ميرسد اين اشياء و خود بفق هم ندارد. هميشه هم ميگويند از پيش دانشمن هيچ راهي براي دولت نيست كه به پيشه اين اشياء متنوعه را از سابق داشته است با بفاقاني وارد کرده اند راه رفتني هم نيست (يك يكي از ادبائيدگان - سرحدات را ببينند) ميفرمايند سرحدات را ببينيد و نكذاريد بيابد اولان اين چله سرحدات را ببينيد يك چله ايت غير عمل - چطور ؟ ملاحظه بفرمائيد اگر بخوانند ايشا عمل كنند بريانت غير مقدر است و غيرعمل است بنده عرض ميكنم كه قدرت ما و تنظيمات اداري ما هنوز بدرجه آمريكا رسيده است آنها باينكه سرحداتشان باين درجه سخت بنه است بازمي بينيم كه در آنجا فاقاني هست و همه ووزه درجرايد مي بينيد كه چندفرا گرفته چونكه مشروبات فاقاني کرده و فروخته مي بود پس اينكه بفرمائيد سرحدات را ببينيد البته دولت آقدي که در حيله قدرت و اقتدارش هست بايد اقدام کند دفتر كركي را زياد کند نتيش كرك را زياد کند قروي كرك را زياد کند و از فاقاني چلوپيري كند اسكن با اين سرحداتيکه ما داريم مخصوصاً در حدود غرب و شرق و حدود خليج فارس كه همه ميدانند نتيش كركش يك كار مشكلي است . اما نتيش داخله بنده تعجب مي كند از آقای دشني مگر در آمريكا كه در كرك نتيش مي كند ديگر در داخله اگر اشياء متنوعه دنوي مغازه ها ببينند نميگيرند و توقيف نميكنند ؟ كه اينها همي كه همه ووزه در چسرايد و روزنامه ها مي خوانند چيست ؟ كه گرفتند و جسي كردند و چه كردند . دولت وقتي يك شبني متنوع كرمي در او در سرحد چلوپير را بگيرد در داخله

از مهمزين فواصلي است كه تا كزون از تصويب مجلس شوراي ملي گذشته است اينست - چا در اطرائش يك مذاكراتي شد كه لازم است بيشر بحث بشود و توضيحاتي داده شود چون اگر دفعه كاهلي نشود سوارهاي مي كندند ولايات نسبت به اجناس داخل و امتعه داخل سوارهاي ميكنند كه اسباب دل سرد شدن استدان داخل ميشود و بنظر بنده مقنني اين است كه اجازه داده شود يك توضيحات بيشرتي داده شود .
رئيس - خوب اگر بنا باشد صحبت شود انتخاب ديگري بدم بر شما هستند
السر - بايد حرف زده شود هر كس حرف بزند بزند والا سوره اثر دارد .
رئيس - آيا باينكه مذاكرات اكلاني ميدانند بفرمائيد (عده قبلي قيام نودند)
رئيس - تصويب نشد . آقای اعتبار
اعتبار - موافق
رئيس - آقای عرافي
عرافي - موافق
رئيس - آقای افسر هم كه موافقت . آقای توفق
توفق - موافق
رئيس - آقای فاطمي
فاطمی - بنده مخالفم .
رئيس - بفرمائيد
فاطمی - عرض اين بنده مورد توجه آقای رئيس كل تجارت بود ولي البته ايشان هم مجبورند كه از لايحه كه آورده اند دفاع كنند در جواب بنده ايشان يك فرمايشي فرمودند كه بنده جواب ايشان را عرض ميكنم و اميدوارم قطع شوند ولي آقای مؤيد ادهدي اينجا كه مطالب فرمودند كه بمسود آقای طهراني را تفسير كردند و مقصود دولت را از آوردن اين لايحه كه يك اشياء متنوعه الان در شهر هست و امروز دولت وقت كه ميخواست چلوپيري كند بفر مغازه و دكاني كه مراجه ميگردد ميكنند اينها آهائي

بنده اطلاع ندانم که شما يك قانون اسامی خارجی و اسامی تجاری می آورید و میزان لبره اینتلور میبندود این دلیل را شما از ما قبول نکرديد ولي دلائل هم در مواقع خود فرق میکند یکوقت البته موقع عادی است اهمیت ندارد البته میشود این کار را کرد یکوقت موقع فوق العاده است و بمقتضی بنده امروز در این مملکت برای خبیل از طبقات موقع موقع فوق العاده است از حیث اقتصادیات چرا ابرای اینکه يك روزی البته يك محصلات داخلی در این جا بود تریك بازارش خوب بود کاسیکه تریك داشتند استفاده میکردند و چونوبینه قالی خریدار داشت و خبیل خوب بود بازارش پسته و بادام و کندهش و اینها عموماً خریدار داشت و در خارجه خریدار داشت بازار فرنی شما خیلی بهتر از این بود ولي بازار کزبری شما و این چیز ها خبیل خوب بود ولي امروزه علاوه بر آنوقت عمومی که هست وضعیت برپشانی حال مردم و ندانستن قوه خرید از همه بدتر شده است و از همه بدتر یا بودن این برپشانی ها و بودن این اشیاء و بفرش رسیدن آنها و رقابت های جاهلانه هم که هست این بنظر بنده يك چیز خبیلی فوق العاده ایست و اینکه بنده عرض کردم تحريم و عزم بنده را بطور دیگر تفسیر کرده بنده عرض کردم چون موقع موقع فوق العاده است میتواند مجلس شورای ملی بنام سعادت عمومی فلان چیز و فلان چیز را تحريم بکشد خبیل عرض بنده صاف و ساده دراست چیزی نود - آمریکا میکويد فن میل ندارم بپوچوجه مملکت من مشروبات الکلی وارد شود و نمیخواهم در داخله مملکت من مشروب استعمال کنند شاید يك عدد زیادی هم در آنجا يك نلک مردم هم شاید طرفدار استعمالش باشند ولي دو نلک دیگر مردم و دولت طرفدار منع استعمالش هستند اینجا هم چه مانی دارد که افراد این نلک این مردم قیر و بیچاره فلان پارچه و فلان پارچه را استعمال نکنند این را نمیبود ککاشت روی دست فلان کسبه و قاچر بی رحم و بی انصاف

رئیس کل تجاروت - عرض کنم بنده ما کزبرم چند کلمه يك کلابی را عرض کنم که قنیه از نقطه نظر

بنده يك فدری تشریح بنمود و منظور اصلی واضح روشن میباشد آنوقت در اطراف قضیه صحبت بنمود اسماً چرا دولت آمده است و سهمیه برای واردات همین کرده است چرا قانون انحصار و آقاییان این اجازه را بدولت داده اند برای تعادل صادرات و واردات است برای این است که واردات ما بیش از صادرات ما نیست این هم يك مسئله پیش پا افتاده است که همان آقاییان میدانند و اینهم که آقای دشتی فرمودند البته بنوعیه مقدارش کم است و ناچیز است همین ندارد ارزش ندارد این اقدامات بشود این را بنده خیال میکنم اشتباه فرمودند همانطور که عقیده خودشان بود اشیاء متنوع الورود قلی از بیست و هشت میلیون بیشتر است همین يك قسمت این چیزهایی است که قاجاقی خریدار نیست و دولت کار ندارد سرپرست اسامی که مقدمی خرید و فروش آنها هستند بگذارند همتا بنام خود يك قسمت آن چیزهایی است که الان مورد بحث است باید سوری از آن تهیه کنند و بدهند و الا آئینه قنای یا چار ورودش متنوع است ولي کسی نیاید چار یا آئینه قنای را قساقوق وارد کنند اما بزرگه ابریشمی را قاجاق میکند - بنده تصدیق میکنم چوراب را قاجاق هم آوردند مشروبات را قساقوق می آورند يك چیزهایی هست که میشود قاجاق کرد چیه های خرازی البته هائی که در بازار فروخته میشود حاضر و ميباست این جور چیزها دولت فعلاً منظورش این است که در باره آن اجناسی که فعلاً مشغولی حاضر دارد و مردم قاجاق میکنند يك اقداماتی بکند و سخت گیری هائی بشود که در آئینه چلو کبری شود و بولعرسی هائی هم که در کار نبوده است معاودر که آقای دشتی اینجا فرمودند انو بیبیل را انیشود چلوش را گرفت مدارش را هم نمیبود که کرد غلط و نیزین را هم نمیبود چلوش را گرفت آنها ما بتیاجح عمومی شده است يك قسمتی هم در خود تجارت و ترانزیت مدخلیت دارد پس مادمیکه ما صادراتمان با وارداتمان تعادل نمیکند يك قسمت آن احتیاجاتمان را حذف کردیم و گفتیم

هم رفت صادرات ما واقعی شد آن احتیاجاتمان را در بازار های خارجه دفع میکنند و الا نمیخواهم کرباش پرشی کنیم یا خارجه کنیم چنانکه قبل ما بنده پارچه لوکس ابریشمی هم خبیل خوب است برای افرادیان تملک دوست سوری که موجبات خریداریش را فراهم کرده باشیم - بمیرماید که ما آن قسمت را تحريم میکنیم یعنی مجلس شورای ملی رأی بدهد بحرمت آقا یعنی رأی بدهد بحرمت معامله یا حرمت استعمال (فناطی - بحر - مناستعمال) حکم بحرمت استعمال اجناس متنوعه قلی عبارت است از اتلاف چندین میلیون سرمایه های مردم این مملکت برای اینکه از غلبلیاس هائی که متن مردمه و از انبیه هائی که کتوی خانه ها هست بپوشیدند استعمالش بر مردم حرام است (سبوح است) پس نمیبود استعمالش را بر مردم کردن - بدین مبادیک حکم متوجه خرید و فروش شود یعنی متوجه هایش بست شود بزرگی برای خرید و فروش بزماسام همین کارها را می کنیم بله بعد از یکسال هیچکس حق خرید و فروش این چیزها را ندارد مگر بنظر دولت آنها آن جنسی از اسباب باقیانداست ولي تصدیق نمیرماید که الا آن عملی نیست و مشکلات زیاد ایجاد میکند و علاوه يك چیزهایی هم هست در مملکت که بدلتن دارد تهیه می شود آقاییان تصور میکنند که اگر اجناس متنوعه باشد گران باشد یا مثلاً تحمیل زیادی شود این را هم چون خیلی ها از خارج بیسم می آورند قانون انحصار برای مصرف کنندگان گران تمام می شود اگر این برای تحمیل تکبیر از قله نظر مسائل مختلفه عیب ندارد یعنی اگر چانس متنوع گران شود بصدی که هیچکس نتواند بخرد مقصود ما حاصل است ما مقصودمان این است که کار را باینجا برسانیم مادام که مشروبات خارجی گران نشود کارخانه برای مشروب سازی در چغلاهی تبریز جاسر نی شود ماسالی که پارچه های ابریشمی گران نشود کارخانه های نساجی بزد مثل حالا بکار نمی آید پس بهترین مشوق صنعتگر برای توسعه صنعتش این است که خریدار زیاد داشته باشد و بازار داشته باشد و خوب هم

بخرند چرا مصلح باقی کاشان دوباره بکند اخذ است و در مرتبه بالا حیوانی اذن دارد از سر می‌گیرد برای این است که مصلح های فرنگی که آمده است طوری اوزان فروش رفته است که مردم را متذکره است که به صرفه بکنند و حالا از حسن اتفاق دوتا برمرزد پیدا شدند در کاشان در او این دوتا برمرزد هم از بین بریزند دیگر شاید در ایران کسی این کار را بداند یا بدو حکومت کاشان نقیب کرده است که بکند؛ و آنجا نریز کند که این کار را بکنند خلاصه اینکه اگر آقایان این فکر را داشته باشند که اجناس متبوع بهمدی کران شود که قوه خریداری مردم سلب شود نتیجه حاصل می‌شود آقایان باید تفکیک کنند بین اجناس متبوع الوورد و اجناس مجاز و آن قسمت مجاز را باید سعی کنند که جلوگیری نمود بقدمه و آن وقت خود ما این است و دولت هم جدا مراتب این کار است و باید مقدمات هم برایش فراهم شده است و منظریم که عرضش زیاد شود اگر از این راه البته بماند فکرهای دیگری می‌گیم ولی اجناس متبوع الوورد باید باندازه کران شود که هیچکس نتواند بخرد این چار فرسآ کران هزار تومان قیمتش است بدو ده هزار تومان بقیدم بده بقیع مردم است برای آنکه کسانی که هزار تومان دارند پیش از آنهال هستند که ده هزار تومان دارند و هر قدر قیمت جنس بالا برود قوه خریدکم می‌شود و یکی از این می‌رود. تنها چیزی که ملاحظه است قسمت نهانها و ما همیشه عقیده‌مان این بوده و حالا هم هست که می‌گویم الرجال قروان علی الساعه ولی آنها نمی‌شوند اشرا هم در کسبیهون عدلی که آقای وزیر عدلیه هم تشریف داشتند از طرف دولت وعده داده شد که دراین باب یک مطالعه بکند و برای اینکه یک وام حلی بپردازد که اگر چادهاهی که الان در نزد حاضر می‌شود بپوشیم کاری است چنانچه بقیدم ما اگر این طوری که الان این سنت دارد یشرف میکند مگر است این کاری شود زیرا چادهای معمول نقلی کمبود احتیاج بکنند هم و کاشان بیست ستمانی و دامغانی که معاد به این بیستند تنها باعث بدبختی همین عادت است که نهایی طهران پوشیدن این چاد دارند و هر چه

تأخیر شود در چاگویی از این قسمت البته بشود لیکن است زیرا که همین چاد را توسعه میدهند استمالش را در شهرهای دیگر اگر بتوانیم متوقفش بکنیم پوشیدن این چاد را در دخدو طهران خوب است ولی در هرسورت باید سعی کرد و بدل این را تهیه کرد مثل چادهاهی که در نزد است یا چاد رنگی دیگر من نمی‌دانم رنگی سیاه چه اختصاصی دارد چه ارتباطی بمطاب دارد اگر سایر رنگها باشد بطور می‌شود یکجا (اگر - نریز باشد رنگ دیگر باشد صحیح است آقای) بر میخورد این ها که در این مملکت عادت نبود نهایی ما که این عادت را نداشتند این سنوات اخیر این عادت پیدا شده دولت در فکر است که در این باب مطالعه‌ای بکند و امیدوارم که یک راه خوبی فکر کند که گران می‌شود آقایان هم رفع شود و امیدوارم آقایان در کلیات رای بدهند چنانچه در فراکسیون هم خیلی صحبت شده بود و آقایان اکثرأ موافق بودند (بعضی از نمایندگان - کافی است)

اگر - بنده کافی نی‌دام
دولت - بفرماید
اگر - کویا ملاحظه نظر که آقای دکتر طاهری داشتند فرمودید البته معالی است که الان هم اکثریت دارد در فراکسیون در کسبیهون عدلیه هم بجا مذاکره شده است اینها اشکال ندارد حرف سراین قسمت است که آقای طاهری تذکر دادند مردمانی که تمام سرایه خودشان را گذاشتند برای انتمه وطنی و کارخانه وارد کرده اند گاهی می‌شود که خیال بکنند که این قانون هم دوده منزلت می‌شود و ممکن است بعدالذکر بر کرد آنطور که بوده است شدت اشتیاقی آنها را ناپین نمی‌کند مقصود آقای طاهری این بود که این جا بحث شود و مذاکره شود همان قدری که یک قسمت گفته شد که دولت منظور نظرش ترویج انتمه داخلی است و این قانونهالی که می‌گذرد برای توسعه انتمه داخلی است و حتی الامکان نینخواهد اجناسی که ولو پنج دوجا

بشترش بد داخله تهیه می‌شود اجازه بدهند وارد شود و هر مشکلی را دولت متحمل می‌شود برای ترویج انتمه داخلی و ترازون صادرات و واردات است مقصود ما این بود و البته چون یک قسمتش را آقای سالی و آقایان دیگر فرمودند خوب کافی است مقصود این بود که سه قاضی بد قاطع تملک پیدا شود و الا اصل لایحه لایحه خوبی است و همه موافقت.

دولت - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اگر برخاسته)
دولت - تصویب شد. آقایانیکه با ورود در مواد موافقت دارند در قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

دولت - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود: ماده اول - اداره کل تجارت مکلف است از اجناس خارجی متبوع الووردی که از طرف دولت مین خواهد شد سودنی تهیه کرده و اعلان نماید. اشخاصی که اجناس متبوع مذکوره در اعلان را برای فروش تجارتنی موجود داشته باشند مکلفند که اولاً صورت اجناس مزبور را تهیه در ظرف دوماه از تاریخ انتشار اعلان در هر محل بدارند که تجارت در مرکز و در ایالات و ولایات به نمایندگی آن اداره تسلیم نموده رسید دریافت دارند. ثانیاً در ظرف یکسال از تاریخ اعلان مذکور در آخر هرام صورت فروش آن مامور نیز بدارند کل تجارت و یا نمایندگان آن اداره تسلیم نمایند.

بعد از اقتضا مدت یکسال مذکور اجناس متبوعی که بفروش رفته باید در ظرف یکسال بهر اکر فروش که در هرصفت از طرف دولت تعیین خواهد شد تسویل گردد تا تحت نظارت دولت و صاحبان اجناس بقبضتی که دولت تعیین می‌نماید بفروش برسد.

دولت - آقای دکتر طاهری
دکتر طاهری - بنده موافق هستم و بعد از یک سخانی حرف می‌زنم
دولت - آقای افسر

اگر - بنده هم موافقم بعد از مخالف
دولت - آقای دکتر ملک زاده
دکتر ملک زاده - عرض میکنم قریب دو سال است که در نتیجه بحران اقتصادی دنیا یک اوج زیادی راجع با مورد تجارت و اقتصادیات به مجلس آمده است و قانون انحصار تجارت گذشته است و هیچ پیشنهادی مگر شد که از نقطه نظر فوائد زیادی که تصور میشد که این قانون برای مملکت وارداتک تجویبالاتی هم در زندگی عمومی برای افراد در نتیجه این قوانین وارد شده است و کسی نمیتواند این را منکر شود و نتیجه آن که دولت و مردم آرزومند بودند این بود که در نتیجه این قانون انحصار تجارت صادرات و واردات مملکت تعدیل شود این نقطه برجسته بود که از وضع این قانون دولت و مجلس در نظر داشتند بنده خیلی متأسف هستم که با مساعی جویله که دولت بکار برده است و با اینکه یکی از بهترین افراد کاری و جدی ما امروز در رأس اداره تجارت قرار گرفته است این منظور کاملاً حاصل نشده است بلکه نینخواهم عرض کنم کاملاً و بقوت تمام کاملاً را هم حذف نکنم و بگویم این منظور حاصل نیندم است و بهترین دلیل که همیشه میشود از برای صحت و تسلیم یک قضیه مقدماتی داشت عبارت است از نتیجه که اگر نتیجه خوب بود و درست بود معلوم میشود که مغربی و کبری و مقدمه درست بوده است و اگر نتیجه غلط در آمد معلوم میشود که مقدمات هم غلط بودم است این یک مسئله متعلقه تعلیمی است و بقیدم بنده اگر یک نظر می‌بوضعت اسما را خارجی بکنند معلوم میشود چون بقیدم بنده اسما را خارجی بچاقوتان فرموده است که نسبت صادرات و واردات را معین میکنند و اتفاقاً حساس ترین فرموده‌تری که معین میکنند بورس قیوت اسما را خارجی است و اگر بزرگترین لازم است اوقمی که از کمرگ میدهند و اداره تجارت درست دارم صادرات را بر وارداتمان اضافه بود اسما را خارجی باید متنزل کرد بنده هم فرقی قیوتی اعداد

که امروز بخوش دامه است ببا نمان بدهد که بتاسفانه واردات ما و مچتره بر صادراتمان و هیچ جای شبهه نیست که يك قسمت مهم این مسئله در نتیجه قاچاق است که دولت هم متوجه شده است و این لایحه را امروز در مجلس است از برای جلوگیری و بقیه بده هم اقدام شدیدی و شروع قوانینی که وضع شود برای جلوگیری از اموال ما شروع و قاچاق و مبادلات صادرات و واردات دولت فوق العاده نافع است چون مبادیجریه فهمیده ایم که در دولت ایران باجاسات عمومی و وطن پرستی افراد راجع به منع دخول و عدم استعمال اجناس غیره نباشد زیاد اعتماد کرد آلان هر کس به محتاج زندگی شخصی تکلم میکند می بیند که آنچه اموال خریدیم است از اجناس متنوعه در برابر رسد بر این پول دامه است و چیزی هم ندارد پس نباشد تنها اعتماد داشت و فقط بوضع قوانین و مجازات خیال شدیدی باید اعتماد داشت این را بنده هوائتم فقط چیزی که بنده در این جا عقیده دارم این است که این کاری را که بدهاز یکسال دیگر میخواهند بکنند و در این یکسال یک سدیمات و زنجانی متنوعه مردم خواهد شد این را امروز بکنند که ببقیده بنده هم مناسب تر است و بیشتر بجره فو صلاح مردم است امروز اجناس متنوع ورود ببقیده بنده و در نتیجه است یک چیزهایی است که در احتیاج عمومی است یک چیزهایی است که در مورد احتیاج مردم نیست مثل مدهیسه ها که فرمودند متنوع ورود است و الان هم در مغازاها جا مانده است ولی یعنی اجناسی که آنها اسباب زحمت مردم شد است و باب قاچاق را در دولت باز کرده است دولت چه بمانی دارد که این اجناس را امروز خریداری کنند و بالاخره باین موضوع خرابیه بدهد این کاری را در یکسال دیگر میخواهد بکنند و در ظرف این مدت اسباب زحمت همه فراهم خواهد شد (کنت مردن بکنده و شیون هم بکده فرسه) امروز همین کار را بکنند و بالاخره باین حرف ها خرابیه بدهند.

مجلس - آقای ملهراجی

ملهراجی - عرض کنم که آقای دکتر جزوه هوائتم بودند متنهی قدری شدید تر (یعنی از نمایندگان - آقا بلندر) آقای دکتر از موافقت بودند فقط چیزی صکه بود این بود که در فوند یکسال زیاد است کم کنید و باصلاح توفیقشان اسباب بلائجه شدید تر بود حالا بنده عرض کنم که چه اینکه اینجا یکسال مدت همین بود چیست این لایحه بواسطه اینکه هم بطور که عرض شد مقصود ازین لایحه جلوگیری از قاچاق است یعنی اشخاصیکه حالا با بعد از آن قانون هم بطور وارد میکردند و بنده کاملاً در سرجات ایشان جلوگیری کرد از آنها دیگر جلوگیری شود که نتواند از راه داد غیر مشروع وارد کنند و همیشه وارد کنند و از آن طرف منظور دیگری هم هست آنها که قبلاً وارد کرده اند و داشته اند و در وقت خودش مشروع بود و بطور در ظرف همدی ماهه کنونی انحصار خارجی گذشت یعنی اجازه ها داده شد راجع یعنی اجناس متنوع ورود در مقابل تصدیق صدور و چه و چه البته اینها را نباشد عقید کرد که بیانشد بگویی های عالی موجود ایشان را ایشان بگیرند و بنده بدست دولت که فرورشد البته خود صاحب مال بعضی بتواند معاشی را بفرورد و بیشتر این اجناس متنوع ورود را هم البته باید گفت یک اشخاصی مشروعاً این اموال را وارد کرده اند و آنوقت متنوع بود است حالا نباشد همه را بگیرند تجدید کنیم و تنبیه بپسندان وارد کنیم دولت هم در این خصوص خیال فکر کرده و بالاخره اینطور تصدیق گرفته شد یکسال مهلت داده شود و در ظرف این یکسال هم ظلم و فتناری بآنها نماند باشد و در دیگر بیش از این این اعمال نام مشروع را ادامه ندهند

مجلس - آقای دکتر طاهری

دوره هفتم تظلمات

یکی از مهم ترین قوانینی است که از شورای ملی قانون گذارنده و در تروت و اقتصادات مملکت مؤثرترین قانون است هر قدر که يك مذاکره ای در اطراف آت و تانجاش میبود در مجلس يك صحبتی میبود که البته مبنی بر سهو و بیباکیت و هر فائده از نقطه نظر ملاحظاتی يك اظهاراتی میکند لکن ممکن است که این مذاکرات از فوائد و شایعی که مأمور از قانون انحصار تجارت است بگذرد و آرا مست بسکند این است که بنده مقدمه بیشتر مذاکره شود تا اگر در اصل قانون اجداد تجارت هم کسی حرفی دارد بگیرد و اگر مطلب دیگری هم هست آنها گفته شود و جواب هر يك داده شود زیرا شایعی که قانون انحصار تجارت دارد در صورتی است که مجلس شورای ملی نتواند بکنان تمام مردم پذیرین این قانون باشند از چنانچه در مجلس يك مذاکره ای بشود از قبیل اینکه این قانون اسباب گرامی اجناس شده است اسباب این شده است که باید گریاس پوشند اجناس کیاب شده و مکاره و نظایر آنها مستفکران داخلی و استادهای این مملکت و صاحبان صنایع داخلی و اشخاصی که نهی جنس میکنند و تجاریه که باید کارخانه وارد کنند آنها را دست میکنند بنابر این لازم میدانم چون حساب مهم است در اطرافش بیشتر مذاکره شود که سوء تاقمی ایجاد نشود و اسباب تنبیه مستفکران و تجار گردد بنده مقدمه این قانون قیاقی لازمه قانون انحصار است و استفاده گکار قانون انحصار تجارت باید بشود پس از تصویب این قانون است. يك مذاکره ای تفرقی و بعضی آقایان دیگر کرده اند البته آنها-هوائتمی دارند که نسبت به محصولات داخلی يك مدعه وارد بازورده ولی اگر چنانچه این جا مذاکره نمود و جواب داده نمود و نظریه مجلس کاملاً مین نشود ممکن است که اسباب سستی و رخوه بشود و آن برای اجرای نظریه که دولت در تنبیه صنایع داخلی دارد که تجار را تنبیه کند کارخانه چینی باورند که دفع احتیاج مارا از محصول خارجی بماند برای این منظور مقدس شیالی موافق

۱۷۷

ایجاد میکند یکی از فوائد قانون انحصار تجارت این است که قریب ۲۵ میلیون از واردات غیر لازم را دولت جلوگیری کرده است دیگر از فوائدش این است که برای ورود اجناس محدود می شود اجناس متنوعه آن در داخله نپ می شود چنانچه بنده يك مرتبه دیگر از فوائد این قانون عرض کردم که در تمام شهرهای ایران هر جا نسبت باستعداد خودش و نسبت بسوابقی که در ساختن مصنوعات و باطن مصنوعات داخلی داشت همه جا تزییات فوق العاده حاصل گشته و کارخانه که بوده اند همه را بکار و داشته اند و همه استفاده های مهمی می کردند همه در رفاهت و رانی از وضعیت فعلی و دولت حاضر همه دعاکاری شاهانه معظم که تمام فکر و حواسشان صرف استراحت عامه است هتند قانون انحصار موجب رفاهت عامه و در تمام ساطح مملکت فراهم کرده است و هر قدر تکمیل شود و قوانین که دارد برای ورود اجناس قیاقی و سکه های که ممکن است باجاری این قانون برد رفع شود نتیجه های حسنه این قانون بیشتر محسوس می شود بنا بر این حال که فوائد قانون انحصار تجارت عین و معلوم شد در صورتی که منتج نتیجه می شود که حقیقاً مبرجاً بود و از قاچاق اجناس متنوعه جلوگیری کرده و ما نیز خود از اینکه یکسال از قانون انحصار شده است بطوری که آقای ملک زاده اظهار کردند هنوز تبادل صادرات و واردات حقیقی فراهم نمانده و برای این است که قاچاقها را در سرحات و سواحل هست که هنوز دولت موفق نشده است کاملاً از آنها جلوگیری کند. مانع زیاد اجناس موجب قیاقی می شود چون فایده زیاد یکس و اشخاصی هستند که قلاب در اینکارها می کنند و اجناس متنوعه را وارد می کنند حالا اینها اینکه جلوگیری بشود برای این و راه است یکی که حضرت والا شاهزاده افسر فرمودند در فراکسیون دولت هم در نظر دارد که در سرحات و سواحل سرحدا بیتره فراهم کند که قاچاق وارد نمود و در صورت ورود ضبط شود ولی برای اینکه ما بقیه وارد میشود بانه مقیاسش از کجا همین می شود ولی اجناس متنوعه موجوده را بر طبق قوانین متنوعه نمی شود آنها

مجلس - آقای ملهراجی

را قلمب ضبط کرد زیرا که هیچ قانونی عطف بها سابق نمی‌شود و بگوئی مجاز بوده است که این اجناس را وارد کنند و اورد هم کرده‌اند و حالا قانون آن را منوع کرده صورت بردارند و بتدریج بفروش برسانند که از بین برود. اینکه بعضی از آقایان میگویند اینها را تحریم بکنند بقیه بپندد برخلاف فعل و اعدا است و چارچای اینکه وقتی که قانونی نبوده و یک اشخاصی پرهیاسی داده اند و رفته اند این اجناس را خریده اند حالا اینها را بسوزانند؟ چکار کنند؟ این برخلاف عدل و انصاف است و مجلس نباید این رای را بدهد پس عقل و عدالت این است که اینها را مین کنند و صورت بدهند که تا یکسال بفروش برسانند و بعد هم هرچه باقی ماند تحت نظارت دولت بفروش برود که ضرر و خسارتی هم متوجه صاحبان اجناس نشود از آن طرف هم معهود باشد که اگر یک مال التجاره مشابهی پیدا کرد از آنها صرف نظر نشود و ضبط شود و در صورت قانون انحصار تجارت بقیه بپندد بپوش خویست و قانون ششم آن هم همین لایحه است و خویست و عالیترین قوانین است این بود که این عراض را بپندد لازم می‌مانست عرض یکم و حالا مذاکرات کافی است و بعضی از نمایندگان - کافی است

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اعلیای قیام نمودند) تصویب شد. پیشنهادهای آقای اعتبار رسیده است قرائت می‌شود.
در ماده اول اصلاحات ذیل را پیشنهاد میکند:
اول درمستر چهارم در طرف دو ماه یکساله تبدیل شود تا آنجا درمستر ششم عارت در طرف یکساله یکساله در طرف هذالته تا آخر استقامه ماه ۱۳۱۱

رئیس - بفرمائید.
اعتبار - البته وقتی که در اساس قنیه موافقت حاصل شد و همه آقایان مخالفین هم که اینجا صحبت کردند باز بالاخره همان آقایان مخالفین هم معتقد بودند که اقدام بانکار باید بشود و این وضعیت فعلی قابل دوام نیست قانون انحصار تجارت تشبه و عوادش به جیب بگفت

چارچاقی رفته است بالاخره پناون مختلفه و پناه اینکه این اشیاء را ما سالهای قبل آورده‌ایم و پناه هم روزی وارد میکنند پس وقتی که در اساس قنیه قضا شد که بالاخره یک فکری هم باید برای این کار بشود و بقیه بپندد خیلی زودتر از این هم باید دولت میکرد بقی وقتی که دولت قانون انحصار را گرداند و وقتی که با اشیاء را منوع کرد برای نخل صادرات و واردات وارد اشیاء غیر شوری برای مملکت لازم نیست. باید آتوق این قانون را بپندد باشد بنظر بنده خیلی هم دیر شده است بعد لایحه را که اول دولت داد دولت هم منظور که در اینجا هست یکسال فرار داد و برای صورت یکماه لازم است ولی در آن لایحه این بود که اگر بعد از یکسال اشیاء لوکی پیدا شد دولت آتوق ضبط میکند ولی اینجا البته شاید بهتر بوده که از انسانی که شکر می‌دهد باز باین آقایان که مبلغها از این جهت استفاده کرده‌اند و گفته‌اند که آن روزهم باز بعد از یکسال ما می‌بریم بیرون روزی می‌فروشیم دولت می‌فروشد وقتی که اینطور شد بنظر بنده یکسال زیاد است و گذاشتن یکمدهت زیادی برای این قانون از جهانی مساعدت نیست غالب آقایان رفاهگ آفتاب نشسته بودند نظرشان این بود که شش ماه کافی است بپندد برای اینکه پانزهم کسی شده باشد و وقتی تضعیع نشده باشد تکرار کردیم که این نماء که تا آخر سال است مدت فراردهم برای اینکه بالاخره قنیه‌ای که مینبیه هست و مینبیه هر راهی را که میگیرند سه چهار ماه دیگر آنها قنیه نته میکنند و استفاده میکنند باین جهت بپندد عقیده‌ام این است که این لایحه را در مدت زمانه ماه پستی تا آخر سال فرار دهیم که تا آخر هذالته راحت شویم یکی دیگر راجع بصورت است. چون در لایحه دولت مدت یکماه بوده و البته مطالباتی بوده است ولی جهت اینکه کسبیون دو ماه کرده‌است چیست؟ برای اینکه در هر محل پس از اعلان کردن صورتدادن بپندد از اشیائی که در مازعه خود دارم یک ماه هم زیاد است تا چه رسد باین که دو ماه برای اینکار وقت مین کردن و بقیه بپندد خیلی زیاد است علاوه ما وقتی این چار هر قدر مدت را کم کنیم برای دادن صورت از

این چه‌مانی که ممکن است راه برای آنها پیدا کند چلوگری کرده‌ایم این است که بنده خواستم شما کم از آقای رئیس کل تجاربت که با این پیشنهاد موافقت فرمایند که دو ماه را تبدیل یک ماه کنند و یکسال راهم به نه ماه تا آخر سال موافقت کنند.
رئیس - نظر آقایان عزیز و رئیس کل تجاربت چیست؟
رئیس کل تجاربت - عرض میشود اختلاف نظری که بین آقایان هست بیکسده از آقایان فکرشان خیلی حاد است و یکمدهت برعکس بیکسده طرفدار تحریم و تقابل مدت هستند بیکمدهت بخلاف آن اگر آقایان اجازه بدهند یک موافقت بکنیم بهتر از این است که بکی بکی پیشنهادات مطرح شود و در اطراف آنها صحبت شود این است که بنده استماع میکنم اجازه فرمایند صکه پیشنهادات همه بکریه قرائت شود شاید بین خود آقایان پیشنهاد دهند موافقتی حاصل شود چون وقت هم کم است.

نمایندگان - صحیح است.
رئیس - پیشنهادی از آقایان رهنما رسیده است.
این جانب پیشنهاد میکنم که مدت (یکسال) مذکور در ماده اول تبدیل به ششماه شود.

رهنما - بطوریکه آقای رئیس کل تجاربت فرموده راجع باین لایحه نظریات خیلی دور از همی است برای اینکه بعضی ما عقیده‌شان این بود که اسلا لازم نیست مطابق دلالتی که خودشان اظهار کردند بعضی‌ها هم درمقتضی اختلاف نظر داشتند بپندد پیشنهاد کردم شش ماه برای چه؟ اساساً قبل از بحث در این لایحه یک بحث باید حل شده باشد و آن را مجامع حل کرده است باری خوشی یک نظریه و ترجیح داده است با تصمیم خودی و آن تصمیم را راجع به قانون انحصار تجارت گرفت و آن این تصمیم و این فکر بوده است که بایستی چلوی واردات خارجی را گرفت و آن را معادل صادرات کرد آتوق بتدریج هرچه صادرات زیاد شود اضافه کرد. در مرحله اول هم از قسمت لوکی و قسمت هائی که مورد احتیاج نیست. این فکر دولت و مجلس بود و موجب قانونی

مذاکرات مجلس
که از مجلس گذشته است در اینجا دیگر فکری باقی نماند که ما در آن بحث کنیم برای اینکه قانونی گذشته است از مجلس شورای ملی. حالا این قانون چه میکند چه میگوید. این در اینجا چیزی جدیدی نیست. از آن قانون میگوید که عده اشخاصی که مخالف بودند که آن قانون بگذرد با موافق بودند عجله آن قانون گذشته آن مخالفین هم باید حالا این قانون را قبول داشته باشند برای اینکه آنها را می‌گوید آزاد باشد و هرچه هر کسی میخواهد بیارود آن مخالفت پالن نیست که هر چه می‌آید متناقض نباید نوی جیب بگفت بودی برود ...

اعض - ملتت بحث نیست. به جیب اهالی مملکت نباید برود
رهنما - خبر این خیلی فرق دارد اجازه بدهید دولت می‌آید قانونی می‌گذارد منع میکند آتوقت مجال میکند کی؟ یکسخت قنیه‌ای مجال پیدا میکند و اجناس خارجی می‌آورد نری این مملکت و در بازار طهران می‌فروشند دولت می‌آید میگوید من اگر اجناس متنوعه را دیدم چلوگری میکنم امروز هم اگر این اجناس را به بینم ضبط میکنم برای اینکه اجازه ندادم که اینها را بیاروند امروز باید صورت بگیرد دولت شش ماه بپندد بپندد مدتی شش ماه می‌آید بپندد بپندد را می بیند اجناس لوکی را می بیند البته اگر بعد از آن آمد معلوم میشود قنیه‌ای است یول را نداده است یول گرک را نداده است. آتوق بقول آقای طهرانی چلوی که بایستی دود آورده تومان بفروشد بدون اینکه عوارض داده باشد آورده است و فروخته است کسی توغمان بنا بر این بپندد موافقت آقای پساغی هم موافقت فرمایند شش ماه مدت معین شود و در مدت شش ماه باین قنیه‌ای رسیدگی شود و معلوم شود که اجناس متنوعه در بازار طهران چقدر است. مجال باینها بیشتر تعدید مجال دادن باینها برخلاف مجلس است. تریان قسمت شش ماه منظورید

رئیس کل تجاربت - بفرمائید همه پیشنهادات را قرائت کنند
-۱۹-

ولیس - بسیار خوب همه پیشنهادات را می خوانید ولی بعد هر کس حق دارد در پیشنهاد خودش توضیح بدهد.

پیشنهاد آقای دستی

بنده پیشنهاد میکنم بجای مدت یکسال در سالهاست داده شود.

ولیس - بفرماید

دستی - بنده باینجه مخالف هستم یعنی اساساً باین فکر غلطم و هر قدر هم جلوم بیرون می بینم این فکر در مملکت تکمیل میشود و آن فکری که بنده مخالف آن هستم این است که بنده مخالف فکر (انانیسم) هستم که هر کاری را دولت بکند حتی دولت مغازه باز کند جنس بفروشد بنده باین فکر مخالف هستم همسایه شمالی ما هم این رویه را اتخاذ کردند ولی نتایج خوبی نبرند و متأسفانه با کمال تأسف بنده می بینم که روز بروز این فکر و این مسئله زیاد میشود مایکند زیاد می شود در این مملکت هستیم که مخالفان باینکه دولت غیر از کارهای اضافی بکارهای صنعتی و کارهای تجارتی مداخله کند دولت فقط باید حکومت و نظارت داشته باشد دولت در امور اجتماعی و اقتصادی تا حدی باید مداخله کند که فقط حق نظارت و عزم سکنت اداره کردن امور اقتصادی مملکت را داشته باشد و باین لوازمی که تند تند ما از مجامع میگردانیم متأسفانه علاوه بر اینکه نتیجه حاصل نمیشود نتیجه وارونه هم میشود. این امتحان را در یک موقع دیگری هم کرد و متأسفانه موفقیتی پیدا نکرد و بنده باین جهت باین لایحه مخالف هستم دولت باید دخالت کند که مغازه خرید و فروش را بکند مغازه سابقون فروش را بکند عرض کنم در قسمت اولی که عرض کردم دولت حق دارد بگوید که این اجناس وارد نشود در سرحد هم چلو گری بکشد اما در داخله شهر دفتر را زیر و رو کرد و تقیض و کسری هیچ معنی ندارد عرض کنم آن لایحه که اول آورده بودند این بود که اجناس را رویش یک (انکت) بچسباند آن بنظر بنده بهتر بود که اجناسی که میشود انکت بهش بچسباند

چلوگری از این قسمت خیلی بهتر است تا اینکه چلوگری از پارچه ابریشمی بکند برای اینکه یک کسی قند استعمال نمی کند ولی پارچه ابریشمی برای او لازم است و لوکس نیست پس بنا بر این اگر فکر معامله صادرات و واردات را میکنیم باید خیلی از چیزهایمان را کم کنیم خصوصاً همین قسمت قند و چای و شکر را کم استعمال کنیم و کم بخورده شود برای اینکه وقتی چای زیادتر وارد شد زیادتر هم چای بخورده میشود وقتی کم وارد شد کم میخورند چه چیزی دارد که اصلاً کمتر بخورد پس باین شکله ما موافق نشویم بمعاوله صادرات و واردات باید معاوله صادرات و واردات را بیک شکل حل کنیم وقتیکه باین شکل شد این لایحه هم دیگر لزومی ندارد. اولاً شما خیال میکنید تمام ایران منحصر به خیلان لاله زار است؟! خیر جاهای

دیگر این خبر ما نیست باین چیزها هیچ وقت حوائج مملکت را رفع نمیکند زیرا مطابق آن رفتار نمیکنیم. بعینه بنده باید حوائج مملکت را در نظر گرفت یکی از آنها کتاب است اما الان نمیشود کتاب را وارد این مملکت کرد کتاب سه برابر قیمتش وارد میشود در صورتیکه ما وقتی حساب کنیم مینیمم که در حال حاضر از ده هزار تومان کتاب وارد نمیشود حالا ملاحظه بفرمایید ما از ده هزار تومان مالیات میگیریم. آنوقت یک مرتبه باسم حوائج مملکت مقدار زیادی قند و شکر و چای وارد مملکت میکنیم در صورتیکه این چیزی را که اسمش حوائج مملکت میگزاریم چیزی حوائج مملکت نیست و البته کتاب و پارچه ابریشمی مفید تر است و بهتر از چای است که مضر است هم از برای معده و هم از برای قلب و بنده پیشنهاد خود را مسزده میدارم.

پیشنهاد آقای تروق
بنده پیشنهاد میکنم که عووم عینیات جزو مواد تنوعه در ماده اول باشد.

پیشنهاد آقای نژادی

بنده پیشنهاد مینمایم در ماده اول بعد از عبارت (برای فروش تجارنی موجود دانسته باشد) برای فروش تجارنی و خورده فروشی در مغازه ما موجود دانسته باشد یک نفر از نمایندگان - دوباره قرائت شود. (مجدد خوانده شد)

پیشنهاد آقای ملک مدنی

بصره ذیل را بماده اول پیشنهاد مینمایم بصره - اجناسی که پس از انقضای مدت قانونی باقی خواهد ماند دولت باید از روی خرید بعلاوه یک عشر متاع تعیین نماید.

پیشنهاد آقای ناسری

پیشنهاد میکنم در ماده اول سطر سوم کلمه تجارنی حذف شود.

ولیس کل اجازت - عرض میشود پیشنهادانی که آقایان کرده اند در یک قسمتهائی بنده از آخر شروع میکنم یک پیشنهاد شده بود که کلمه خورده فروشی به تجارنی اضافه شود. ببقیده بنده خورده فروشی همان تجارت است و در اصطلاح قهوه کب و تجارت یکی است تجارت هم اطلاق به کب میشود و هم بر خود مسئله تجارت خورده فروشی در عده فروشی یکی است بنا بر این اگر بگوئیم تجارنی شامل همه است و اما در قسمتی که آقای ملک مدنی فرمودند که دولت نگاه بکند این درست فضاله مقابل مقصود دولت است ما میخواستیم آنهایی که اجناس متنوعه دارند بفریبتی که هست در اینصورت نه ماه تا شب عید بفروشند و الا وقتی دست دولت افتاد اینقدر حجاج برش تحمیل میکند که هیچ چیز آیرشان نمی آید. بنده الان باین و روشن میگویم وقتی که اینها تحت نظر دولت بفروش برود مفتش بنده حقوق میبخواهد نظر دولت میبخواهد مقوم حقوق میبخواهد اینها باید تا شب عید هر چه هست بفروش برسانند یک مقصود ما این است که اینها بفروش برود پس خواهش میکنم که پیشنهادشان را مسزده بدارند یک پیشنهادی هم آقای تروق

فرمودند راجع بدهیات بنده عرض میکنم خدمتشان که بجهت در صورت اجتناب ممنوعه هست عبارتی که واقی باشد بمصوب ایشان و اگر نیست ممکن است که توضیح داده شود برای پیشرفت کارخانه قزوین که دهنانتی خیلی خوب شده است و ممکن است تنوفقات بیشتری بشود و اطمینان کار را کرده ایم الان غیبی از روغن هارا ما و روغن را ممنوع کرده ایم بقیه را هم ممکن است ممنوع کنیم الان یکسخت روغن کرچک و روغن شمشاد و روغن بنوع است و ممکن است روغنهای دیگر هم که تدارک آن در داخله شان باشد ممنوع کرد در اینصورت پیشنهاشان فائزین شده است (وثوق - متشکر) در موضوع پیشنهادهای که شده بود راجع بمدت کلمه حذف تجارتنی هم مقرر است زیرا که اگر فربدا یک بیچاره ای در نوبی خانه اش یک چادری یابم و داشت و خواست این را بفروشد این را نمیفروشد منظور کرد چرا که از کار افتاده است از همه جهت نمیشود تنفیقات برای مردم فرام کرد. موضوعی را که آقای دشتی فرمودند راجع باینکه دولت عوارضی وضع کرده است بر کتاب و مثل این است که دولت با معارف میخواهد دشمنی کند و چرا قند و شکر را جلوگیری میکنند ما برای پیشرفت کار مطلع این کار را تردید کتاب فروشها کتاب را ممکن است در داخله طبع کنند. مطلع ما که در داخله بیکار هستند حق ندارند بروند کتاب در خارجه طبع کنند حتی من دستور داده ام قرآن که کتاب مقدس ما است در مطلع خودمان چاپ شود مگر قرآن باید زیر دست فرنگی چاپ شود در هر حال بنده اینک را هم اجازه نداده ام در خارجه چاپ شود برای اینکه در اینجا خیلی ستر و قشنگتر از مثل فرنگ چاپ میشود حتی آن تمیرها و باندرل هارا هم که وزارت مالیه سفارش کرده بود چون قبلا سفارش آنها داده شده بود اجازه داده شد جوازش را دادم بشرط اینکه وزارت مالیه در آتیه در داخله این کار را بکند. بیه اگر یک کتاب مهمی مال بک پروفسر باشد مال بک دانستمندی

تجارت که با عمده فروشی لفظ تجارت گذارده شده است ایشان هم منظورشان حاصل است. دهنیات را هم قبول میفرمایند که جزو اشیاء ممنوعه باشد.

ولیس کل تجارت - در این جا شاید صلاح باشد عرض تذکر بود که در جزو اشیاء ممنوعه ورود هست اما اینجا شاید جائز باشد در قانون ذکر شود برای اینکه مشروبات هم هست در صورت علیحده اجناس ممنوعه معین شده و در قانون شاید صلاح باشد ذکر شود ولو صورت آن کم باشد باین جهت صورت یک چیزی است که در خارج ممکن است آنرا اعلان کنیم آقایان هم می بینند.

ولیس - گاه تجارت را هم که حذفش را معتقد نیستند آقای رهنا هم با پیشنهاد آقای اعتبار موافقت فرمودند و بعد یعنی در شب این مغازه ها بسته میشود و گمان میکنم حضرت آقای رهنا هم موافقت فرمایند که مدت یکسال و شش ماه و اینها تبدیل شود به تا آخر اسفند (اعتبار - دو ماه هم یکماه شود) دو ماه هم عیبی ندارد همان دو باشد برای اینکه آقای اعتبار وقت فرمایند که همان قسمت ها را هم که بقوه تدارک بکنند باز دو ماه میشود تا حساب اینها را بکنیم و تدارک بکنیم. و اینکه آقای دشتی فرمودند که این مقدار کم نوبی ماهه های لاله زار چیزی نیست خبر نوبی انبار ما است علاوه آقایان مسیوق باشند که ما میدانیم درست که مقدار واقعی این اجناس چند است در گمرک اطلاع دارد دولت و میدانم چه چیزهایی در انبار است خلاصه چسبایدن اینک اسباب زحمت است برای مامورین دولت و عوارض زیادی دارد برای اینکه باندازه کالی دولت مامور خوب ندارد و در ولایات حکام نباید وسائل نداشته باشند.

ولیس - خوب حالا بنده تکلیف ماده را معلوم میکنم

جله خورده فروشی را که مطابق تصریح آقای ولیس کل

که تا آخر اسفند ماه باشد در ماه مدت هم باقی باشد این تصمیمات را یاد داشت میکنیم و رای میکنیم بیهاده اول با تغییری که متذکر شده یعنی تبدیل یک سال به تا (آخر اسفند ۱۳۱۱) آقایان موافقتن قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) مصوب شد.

۳ - موقع و دستور جلسه بعد. ختم جلسه

ولیس - پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (مصباح است) برای اینکه کارهای آقای ولیس کل تجارت بنأخبرینند جلسه آینده یکشنبه ۱۵ خرداد ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه شود در لایحه کنونی و لایحه ذغال سنگ بگیری.

(مجلس سه ربح ساعت بعد از ظهر ختم شد)

ولیس مجلس شورای ملی . دادگر